

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

نویسندگان: الحاج داکتر امین الدین سعیدی و داکتر صلاح الدین سعیدی

۲۷ سپتمبر ۲۰۱۳

مکه مکرمه

۲

حجرالاسود سنگ جنتی :

حجرالاسود، سنگی است سیاه رنگ مایل به سرخی و بیضی شکل به قطر سی سانتیمتر که در آن نقطه سرخی نیز دیده می شود و بر دیوار رکن کعبه منصوب است و حاجیان هنگام طواف کعبه تبرکاً آن را لمس می کنند و پیش از اسلام



نیز این مورد احترام بوده است. در حقیقت در شمار عناصر اصلی کعبه بوده است. به همین لحاظ حضرت محمد صلی الله علیه وسلم آن رانگاه داشت و دیگر سنگ‌هایی را که به شکل بت ساخته شده بود، به دور ریخت.

حجرالاسود در جریان تخریب کعبه، که پنج سال پیش از بعثت صورت گرفت، در فاصله‌ای دور از مسجد افتاده بود.

در روایات تاریخی آمده است:

در زمان نصب آن به جای خود، قریش در بین خود به نزاع و اختلاف پرداختند، اما با فهم و درایت محمدصلی الله علیه وسلم، همه قریش در فضیلت آن سهیم شدند و عاقبت به دست خود او نصب گردید. به مرور زمان و در اثر تحولات و تغییرات، از حجم نخستین این سنگ کاسته شد و حتی به چند پاره تقسیم گردید که آخرین بار قسمت‌های مختلف آن را به یک دیگر متصل کردند و آن را در محفظه‌ای نقره‌ای قرار دادند. در حال حاضر تنها به آن اندازه که برای بوسیدن و استلام لازم است، جای گذاشته اند.

در سال ۳۱۷ قمری یکی از فرقه‌های منسوب به اسماعیلیان که به «قرامطه» شهرت داشت، حجرالاسود را از کعبه برداشت و به احساء (منطقه‌ای در شرق عربستان) برد. این گروه به مدت ۲۲ سال- چهار روز کم - تا سال ۳۳۹ هجری سنگ را در آنجا نگاه داشتند و سپس در عید قربان همین سال، آن را به جای اولی خویش باز گرداندند. پس از آن، طی سال‌های پیاپی، حجرالاسود به طور عمد یا غیر عمد از جای خود کنده شد و هر بار اجزائی از آن خرد و جدا

گردید. هر بار این اجزاء به هم چسبانده شد و همان گونه که گذشت، اکنون مجموعه آن در هاله‌ای از نقره قرار داده شده‌است.

حجر الاسود سنگ جنتی است :

حجر الاسود سنگی است که خداوند آن را از جنت نازل کرده است. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: « نزل الحجر الأسود من الجنة » (روایت ترمذی ۸۷۷ و نسائی ۲۹۳۵)، یعنی: (حجر الاسود از جنت نازل شده است).
- در روایات اسلامی آمده است که حجر الاسود در ابتداء از شیر سفید تر بوده است، ولی گناهان بنی آدم آن را سیاه ساخته است. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند:

« نزل الحجر الأسود من الجنة وهو أشد بياضا من اللبن فسودته خطايا بني آدم » (روایت ترمذی ۸۷۷ و احمد ۲۷۹۲ ابن خزيمة ۴ / ۲۱۹). و محب طبری گفت: « در سیاه ماندن حجر الاسود عبرتی است برای پندگرفتگان، زیرا اگر گناهان بنی آدم روی سنگ سخت اثر کرده، پس اثر گناه بر قلب بنی آدم (که از گوشت است و از سنگ نرمتر است) بیشتر است » (فتح الباری ۳ / ۴۶۳).

حجر الاسود روز قیامت به کسانی که آن را به حق لمس کرده اند شهادت می دهد. پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد حجر الاسود فرمودند: « والله ليعتنه الله يوم القيامة له عينان يبصر بهما ولسان ينطق به يشهد على من استلمه بحق » (روایت ترمذی ۹۶۱ و ابن ماجه ۲۹۴۴)، یعنی: (قسم به الله که الله روز قیامت آن را (حجر الاسود را) برمی انگیزد و دو چشم بینا و زبانی گویا دارد و شهادت می دهد برای کسانی که آنرا به حق لمس کرده اند). و کلمه «بحق» یعنی «لمس کردن حجر الاسود به روش شایسته» این را می رساند که جایز نیست که نزد حجر الاسود کسان دیگر را اذیت کرد و یا به جدال و دعوا پرداخت، زیرا حدیث می گوید به کسانی که آن را به حق یعنی به طوریکه شایسته است شهادت می دهد و نه کسانی که بر حساب اذیت و آزار مردم آن را لمس می کنند

- هر طوافی از حجر الاسود شروع می شود، با بوسیدن آن، و یا لمس کردن، و یا با اشاره به آن، و دلیل لمس حجر الاسود روایت جابر بن عبدالله است که گفت: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم لما قدم مكة أتى الحجر فاستلمه ثم مشى على يمينه فرمل ثلاثا ومشى أربعا» (روایت مسلم ۱۲۱۸)، یعنی: «وقتی که پیامبر صلی الله علیه و سلم به مکه آمد نزد حجر الاسود آمد و آن را لمس کرد سپس از طرف راست سه بار با مشی سریع طواف کرد و چهار بار با مشی آرام». و دلیل بوسیدن حجر الاسود روایت عمر رضی الله عنه است که نزد حجر الاسود آمد و آن را بوسید و گفت:

« إني أعلم أنك حجر لا تضر ولا تنفع ولولا أني رأيت النبي صلى الله عليه وسلم يقبلك ما قبلتك » (روایت بخاری ۱۵۲۰ و مسلم ۱۷۲۰)، یعنی: (من می دانم که تو سنگ هستی و هیچ ضرر و نفعی نداری، و اگر نمی دیدم که پیامبر صلی الله علیه و سلم تو را می بوسید هرگز تو را نمی بوسیدم).

و دلیل اشاره به حجر الاسود روایت ابن عباس است که گفت: « طاف رسول الله صلى الله عليه وسلم على بعيره وكان كلما أتى على الركن أشار إليه وكبّر » (روایت بخاری ۴۹۸۷)، یعنی: (پیامبر صلی الله علیه و سلم بر روی شترش طواف کرد و هر گاه نزد حجر الاسود می رسید به آن اشاره می کرد و تکبیر می گفت).

و اگر توسط دستش و یا وسیله ای حجر الاسود را لمس کند سنت است که دستش و یا آن وسیله را ببوسد، به دلیل روایت نافع که گفت: «رأيت ابن عمر يستلم الحجر بيده ثم قبل يده، وقال ما تركته منذ رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يفعلهُ » (روایت مسلم ۱۲۶۸)، یعنی: (ابن عمر را دیدم که حجر الاسود را با دستش لمس می کرد و سپس دستش را می بوسید و می گفت از زمانی که دیدم پیامبر صلی الله علیه و سلم آن را انجام داد این عمل را ترک نکرده ام).

و همچنین به دلیل روایت ابی الطفیل رضی الله عنه که گفت: « رأیت رسول الله صلی الله علیه وسلم یطوف بالبیت ویستلم الرکن بمخجن معه ویقبل المحجن» (روایت مسلم ۱۲۷۵)، یعنی: (پیامبر صلی الله علیه و سلم را دیدم که دور خانه کعبه طواف می کرد و حجر الاسود را با سپرش لمس می کرد و سپس آن سپر را می بوسید).

– لمس حجر لاسود گناهان را از بین می برد. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ان مسحهما کفارة للخطایا» (روایت ترمذی ۹۵۹)، یعنی: (مسح کردن حجر الاسود کفاره گناهان است)

در ضمن نباید فراموش کرد: حجرالاسود آغاز و پایان طواف بوده و برابر آن سنگ سیاهی روی زمین (تا انتهای مسجد) کشیده شده است. به علاوه، چراغی سبز رنگ بر دیوار مسجد برابر حجرالاسود نصب شده تا راهنمای طواف کنندگان باشد.

ارکان کعبه :

هر يك از چهار ضلع خانه یا چهار رکن آن، به نامی موسوم است، رکن شمالی را «عراقی»، رکن غربی را «شامی»، رکن جنوبی را «یمانی» و رکن شرقی را «اسود» گویند. خانه کعبه مربع شکل و مسقف و داخل آن دارای سه ستون است. در بازسازی سال ۱۳۷۵ ه. ش. دیوارهای داخلی آن را تعمیر و سنگ‌های جدید بر آن نصب کرده‌اند.

پرده کعبه در عصر اسلامی :

در عصر اسلام، اولین کسی که کعبه را پرده پوشی کرد، پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم بود که بعد از فتح مکه صورت گرفت .

مؤرخین می نویسند: نوع پرده کعبه در آن زمان از تکه یمانی تهیه دیده شده بود و مصارف آن را پیامبر اسلام از بیت المال تهیه کرد .

در مورد این که در زمان خلافت حضرت ابوبکر صدیق از کدام نوع تکه برای پرده کعبه استفاده به عمل می آمد ، اطلاعات دقیقی وجود ندارد ، ولی مؤرخین می نویسند: در زمان خلافت امیرالمؤمنین حضرت عمر پرده کعبه



از تکه نوع «قباطی» بود ، و از جمله تکه های مشهور کشور مصری می باشد .

امیرالمؤمنین در زمان خلافت خویش به مسؤلین خویش در مصر وظیفه سپرد که پوش کعبه را در مصر بدوزند . که از آن زمان پرده کعبه در مصر دوخته می شود.

محققین می نویسند: در زمان خلافت حضرت عثمان برای پرده کعبه از تکه «قباطی» و برخی از اوقات پرده «یمانی» استفاده به عمل می آوردند .

می گویند در زمان خلافت یزید بن معاویه و ابن زبیر و عبد الملک بن مروان پرده کعبه با دیباج پوشانیده می شود طبق روایات در زمان عباسیان پوش کعبه را در هر سال سه بار نو و تجدید می کردند.

طوری که گفته آمدیم تا سال ۶۶۱ پوشش کعبه به انحصار حاکمان مصر بود، و همیشه پرده کعبه از طرف خلفای عباسی تهیه می شد .

می گویند در زمان ناصر الدین الله که در سال ۵۷۵ هجری قمری به خلافت رسید پوشش سبز رنگی از دیباج به کعبه پوشانید و از زمان خلفیه مأمون تا این زمان پرده به رنگ سفید بود ولی همین ناصر الدین الله در سال ۶۲۱ رنگ پرده

کعبه را به رنگ سیاه تغییر داد و از آن تاریخ تا به امروز رنگ پرده کعبه سیاه می باشد در سال ۶۴۴ در اثر طوفان شدیدی که در مکه رخ داد ، پرده کعبه بر اثر این طوفان ، پاره شد و نایب حاکم یمن از شیخ حرم به نام منصور بن منعه بغدادی خواست که پرده را او تهیه کند. او گفت: پرده را فقط از مال خلیفه می توان تهیه کرد و مبلغ سیصد هزار دینار قرض کرد و پرده ای از پنبه تهیه و به آن رنگ سیاه زد و به کعبه پوشانید .

ابن ابوصیف مفتی مکه، در عصر خود از یکی از شیوخ نقل می کند: **علت این که پوشش کعبه رنگ سیاه دارد این است که او زائرانی را که در طول تاریخ طوافش می کردند، از دست داده و عزادار آنهاست .**

بعد از انقراض عباسیان، چندین سال پرده از یمن آمد و در سال ۶۵۹ ملک مظفر از یمن فرستاد و اولین کس از ملوک مصر که پوشش کعبه را تقدیم کرد، ملک ظاهر بند قداری بود که در سال ۶۶۱ فرستاد و در سال ۷۴۳ ملک صالح اسماعیل بن محمد قلاوون پادشاه وقت در مصر قریه ای را در نواحی قاهره، در منطقه «قلیوبیه» برای پوشش کعبه و حجره نبوی وقف کرد .

زمانی که عثمانی ها بر حجاز و مصر مسلط شدند، تهیه پرده کعبه در انحصار آنان در آمد ، آنها پرده کعبه را از مصر از محل اوقافی که برای این منظور بود، آماده و ارسال می کردند. در عهد سلیمان شاه بن سلیمان خان اوقاف کعبه در مصر، مخارج پرده را تأمین نکرد و لذا سلیمان شاه ۱۰ قریه دیگر در مصر خریداری کرد و بر اوقاف کعبه افزود .

برای این ۱۰ قریه وقفنامه مفصلی تهیه شد و طی آن منافع حاصل از این ده قریه به تهیه پرده کعبه اختصاص یافت . به همین جهت بود که در مصر فابریکه برای بافت پرده کعبه تأسیس شد. این فابریکه نزدیک قصر سلطان بود و به «قصر الکسوه» شهرت یافت. رئیس دار الکسوه را «ناظر الکسوه» می نامیدند. هم اکنون نیز در قاهره محله ای به نام قصر الکسوه وجود دارد .

رشدی صالح مؤرخ مشهور عربی می نویسد :

تا سال ۱۳۳۳ عادت بر این بود که تنها نام سلطان عثمانی بر کسوه نوشته می شد ولی در این سال نام سلطان کامل حسین نیز، که بر مصر سلطنت داشت، در کنار نام عثمانی اضافه شد.

سلسله بافت و تهیه پرده کعبه تا سالهای ۱۳۴۴ از منطقه « احسا » مصر به طور نورمال ادامه داشت .
آغاز بافت پرده کعبه در مکه:

بعد از این که در سال ۱۳۴۵ روابط میان مصر و حجاز تیره شد ، این روابط ساخت پرده کعبه را هم تحت تأثیر خویش قرار دارد ، بنابر خرابی جو سیاسی دیگر پرده کعبه از مصر نیامد، شیخ عبدالعزیز کوشش کرد تا پرده کعبه را در عربستان سعودی تهیه بدارد بناءً در سال ۱۳۴۶ وی مؤسسه ای را جهت بافت پرده باقی کعبه در محله اجباد



مکه تأسیس و از کشور هند بافندگان ماهر را برای دوخت پرده کعبه استخدام کرد، حضور ماهرین هندی تا زمانی ادامه یافت، تا زمانی که مردم مکه نوع بافندگی را از دست دوزان هندی آموختند .

بناءً برای اولین بار پوش کعبه ، در سال ۱۳۴۶ در مکه بافته شد و این پروسه تا سالهای ۱۳۵۸ ادامه داشت . ولی در سال ۱۳۵۸ زمانی که روابط سیاسی

مصر با کشور سعودی بهبود نسبی یافت ، حکام دولت مصر از شیخ عبدالعزیز تقاضا نمودند ، تا اجازه فرمایند تا کسوه کعبه بار دیگر کما فی السابق در مصر در فابریکه قدیمی و تاریخی اش دوخته و ساخته شود، عبدالعزیز به این درخواست مصری ها لیبیک گفت و دوخت پرده کعبه دوباره از کشور عربستان سعودی به مصر انتقال یافت . این

پروسه تا آغاز و تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت. ولی در همین سال یک بار دیگر اختلافات بین جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر و پادشاه عربستان سعودی ملک سعود تیره شد و پرده کعبه که در کشتی حجاج مصری تا بندر شهر جدّه انتقال داده شده بود، کپیتان کشتی به امر مقامات مصری، از تحویل پرده کعبه ابا ورزید و کشتی حامل پرده کعبه دوباره به کشور مصر برگشت. و پرده کعبه قربانی سیاست گردید.

مقامات سعودی برای تهیه پرده کعبه تپ و تلاش های زیادی را به راه انداختند و می گویند ماهرین را برای تهیه پرده کعبه بار دیگر به هند، پاکستان، سوریه و جاپان فرستادند ولی موفق نشدند تا در این مدت کوتاه پرده کعبه را تهیه بدارند. بناءً مجبور شدند دوباره به فابریکه قدیمی ملک عبد العزیز مراجعه نمایند و از قطعه های باقیمانده پرده های کعبه که سالهای قبل باقی مانده بود، پرده کعبه را بعد از پینه دوزی، برای همان سال تهیه بدارند، بالاخره بعد از تلاش های زیادی در دهم ذیحجه ۱۳۸۲ کعبه را با آن پوشانیدند.

در همان سالها بود که حکام سعودی فیصله نمودند که از آن تاریخ به بعد پرده کعبه را در خود مکه تهیه نمایند. بناءً فابریکه عصری و مجهزی را برای بافت کسوه در نظر گرفتند، این فابریکه در مدخل مکه در زمینی به مساحت صد هزار متر مربع با ماشین آلات جدید عصری ساخته شد.

خصوصیات پرده کعبه :

جنس پرده کعبه از حریر طبیعی و خالص و به رنگ مشکی است. ارتفاع آن به ۱۴ متر می رسد و نوار دور این پوشش که به عرض ۹۵ سانتیمتر و طول ۴۵۰۰ سانتی متر است از ۱۶ قطعه به شکل مربع از تزئینات اسلامی پوشیده شده است.

بر روی این نوار آیات قرآنی نوشته شده است که در فواصل معین عبارات «یا حی یا قیوم»، «یا رحمن یا رحیم» و «الحمد لله رب العالمین» با رنگ طلائی که اطراف خانه خدا را در بر می گیرد، نوشته شده است. پوشش «دروازه» کعبه نیز از ابریشم است به ارتفاع ۶/۵ متر و عرض ۳/۵ متر و بر روی آن آیات قرآنی و تزئینات اسلامی با طلا نقره پوشیده شده است.

پرده اصل خانه خدا از ۵ قطعه تشکیل شده است که هر قسمت یک طرف کعبه را می پوشاند و قطعه پنجم هم دروازه کعبه را در بر می گیرد؛ ماهرین می نویسند که وزن پرده کعبه هنگام نصب، آن تقریباً به دو تن می رسد. طوری که قبلاً یاد آور شدیم پرده کعبه با همکاری کارخانه های داخل و خارج عربستان تهیه می شود؛ پارچه ابریشم این پرده را هر سال یکی از کشورها هدیه می کند و پرده قبلی نیز به روسا و سران کشورهای اسلامی اهداء می شود. در کارخانه بافندگی و تهیه این پرده که حدود ۸ ماه با دست و ماشین طول می کشد، بیش از ۲۰۰ تن از ماهرین، افراد شایسته و کارآمد فعالیت می کنند.

آیات منقوش شده قرآنی بر کمربندهای پرده کعبه:

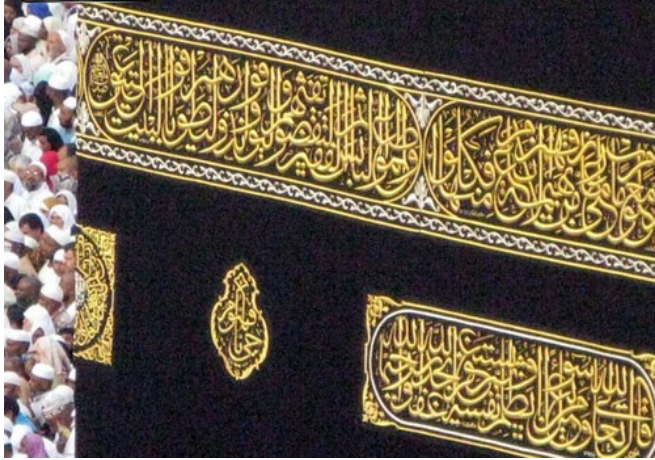
پرده کعبه، همواره دارای کمربندهایی بوده که در بالاترین قسمت پرده و در چهار طرف آن، قرار می گرفته است. این کمربندها که به وسیله «تارهایی از نخ طلا» بافته شده، آیات قرآنی به صورت بسیار زیبایی روی آن نوشته شده است. مطابق روایات تاریخی تا پنجاه سال قبل (به سال ۱۳۸۷ هجری) این آیات بر روی این کمربندهای پرده کعبه منقوش شده بود.

بر روی کمربند که به طرف بخش شرقی دیوار کعبه قرار دارد این آیات نقشی گردیده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ * وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُم بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ * وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَّكَ وَارِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

روی کمربندی که در قسمت دیوار (حجرالأسود) قرار گرفته، این آیات منقوش می باشد :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَهُوَ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ



سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌ عَنِ الْعَالَمِينَ «
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ
مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ
لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ * وَأَذِّنْ فِي
النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ
يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ «

روی کمر بندی که در قسمت دیوار مقابل
مقام مالکی (دیوار بین رکن شامی و رکن
یمانی) قرار گرفته، این آیات منقوش می
باشد :

« لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَيْمَاتِهِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ
* ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»

روی کمربندی که در قسمت دیوار چهارم، دیواری که در آن (ناودان) قرار گرفته، این متن منقوش است:

« فی آیامِ دولة مولانا السلطان الأعظم ملك ملوك العرب و العجم، السلطان محمد الخامس خان ابن السلطان عبد المجيد
خان ابن السلطان محمود خان الغازی ابن السلطان عبدالحمید خان بن السلطان احمد خان بن السلطان محمد خان ابن
السلطان ابراهیم خان ابن السلطان مراد خان بن السلطان عثمان خان خلد الله ملكه» (به نقل از تاریخ الغازی)
آیات منقوش شده قرآنی بر کمربندهای پرده کعبه بعد از سالهای ۱۳۸۷ هـ:

پس از سال ۱۳۸۷ هـ. آیات منقوش بر روی کمربندهای پرده کعبه، بدین صورت تغییر یافت:

در بخش شرقی پرده کعبه، روی دیواری که در کعبه در آن قرار گرفته، این آیه منقوش است :

« وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ
وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»

« وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا
أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَّكَ وَارِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

روی کمربندی که بر پرده دیوار بین دو رکن اسود و یمانی کعبه قرار گرفته، این آیات نقش بسته است:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً وَنَدَىٰ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ * قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ »

و روی کمر بند پرده دیوار غربی کعبه، این آیات منقوش شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ * وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالاً وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ * ثُمَّ لِيَقْضُوا »

و روی کمر بند پرده دیوار کعبه (به سمت حجر اسماعیل) این آیات منقوش می باشد :

« وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ »

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، « الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ «يا حنان يا منان يا ديان يا سبحان. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى »